

اطلاعیه هیات هماهنگی اتحاد چپ کارگری

در رابطه با ۸ مارس سال ۲۰۰۰

بهترین و بدترین ایام برای زنان

باشند. درکشورمان ایران علاوه بر مشکلات فوق که همواره در برابر بخش وسیع زنان کارگر و کارمند ... در سطح جهان قرار دارد، باید به آپارتاید جنسی و ستم ویژه‌ای که جمهوری اسلامی و قوانین قرون وسطایی نظام بر زنان وارد کرده، توجه نمود. به رغم مقاومت توده‌ای زنان، همچنان زنان بمانند شهروند درجه دوم، قربانی برنامه‌های ارتجاعی حکومت مذهبی هستند. این در شرایطی است که همگان به مبارزات زنان ایران طی بیست سال حکومت جمهوری اسلامی و بویژه چند سال اخیر اذعان دارند. مقاومت زنان در سطح سیاسی، اجتماعی، به رغم تنگناها، فشارها و محدودیت‌هایی که جمهوری اسلامی پیاده کرده، چشمگیر بوده است، با این‌همه زنان ایران از ساده‌ترین حقوق فردی چون آزادی پوشش محرومند و حتی جناح اصلاح طلب جمهوری اسلامی نه می‌خواهد و نه می‌تواند به این مسئله ساده پاسخ روشنی ارائه دهد. زنان ایران از پایه‌ای‌ترین حقوق اجتماعی، چون دستیابی به بهداشت برابر با مردان، بقیه در صفحه ۲

اعلامیه‌ی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به مناسبت روز جهانی زن

۸ مارس روز جهانی زن برزنان ایران مبارک باد!

زنان ایران در چند ساله اخیر چنان صحنه تحولات سیاسی را برانگیخته‌اند، که بسیاری از «انقلاب زنان» در ایران سخن می‌گویند. زنان با «جیش زلف‌های‌شان، با ورود تحمیلی‌شان به استادیوم آزادی برای تماشای فوتبال، و با رأی اعتراضی‌شان در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، به روحانیت حاکم و مدافعان آنان نشان دادند که از همه جلوه‌های حکومت اسلامی بیزارند و خواهان دگرگونی اساسی در جامعه‌ی به بند کشیده شده ایران امروز هستند.

در حیات سیاسی امروز ایران، نیروهایی هم پیدا شده‌اند که با لقب پرطمطراق «اصلاح طلب»، ادعاهایی در زمینه دفاع از حقوق زنان دارند. حال آن‌که، تا زمانی که نظام ولایت فقیه و قوانین شرع بر کشور حاکم است، تا زمانی که دین و دولت در ایران در هم تنیده است، در چهارچوب رژیم حاکم هیچ امیدی به تغییرات اساسی در وضعیت اسفناک زنان نمی‌رود. اصلاح طلبان رژیم حاکم که دست بالا را در انتخابات رژیم اسلامی پیدا کردند اولاً- تعداد زنانی را که به عنوان کاندیدای نمایندگی معرفی کردند بسیار اندک بود و ثانیاً- اکثر زنان معرفی شده توسط آن‌ها نیز زنانی بوده‌اند که در زیر سایه سنگین مردان (شوهران، پدران، برادران ...) صاحب نام و نشان قرار دارند و خود به اتکالی شخصیت مستقل‌شان به صحنه اجتماع و سیاست راه نیافته‌اند! ثالثاً- آن‌ها هیچ پلانفرم روشن و جدی حتی در گاستن بار کمرشکن آپارتاید جنسی و الغاء قوانین شرم‌آور جدائی جنسی در رژیم اسلامی ندارند! بدین ترتیب، اولین گام برای رهائی زنان ایران از زندان بردگی جنسی برچیدن رژیم اسلامی است. و جیش زنان ایران نیز در همین مسیر گام برمی‌دارد.

امروزه جیش زنان ایران، یک جنبش زنده و واقعی در کنار جنبش کارگری و جنبش جوانان و آتشفشانی است که در حال غرییدن برای بیرون ریختن ماده‌ی مذاب خشم و نفرت بیست‌ساله زنان ایران بر سر فقهای حاکم است. تشدید مبارزه زنان از آن رو اهمیت بیشتری یافته است که فقهای حاکم علاوه بر قوانین سندن موجود در نظام جمهوری اسلامی در عرصه حقوق مدنی زنان، قوانین قرون وسطایی قسامی و صدها تبعیض نهادی شده دیگر؛ مواردی همچون جدائی جنسی در عرصه‌های آموزشی، پزشکی و اجتماعی را نیز در مجلس پنجم به بقیه در صفحه ۲

روز جهانی زن در اولین سال هزاره سوم میلادی در شرایطی برگزار می‌شود که نابرابری زنان و مردان در جهان هم‌چنان حکمراست. این نابرابری در روابط خانوادگی و اجتماعی، در تقسیم ناعادلانه کار در خانه و محل اشتغال، در سطوح مختلف واضح و آشکار است. زنان و خصوصاً زنان کارگر و زحمت کش در مقام شهروندان درجه دوم، محروم‌ترین بخش‌های جامعه جهانی را تشکیل می‌دهند. اگرچه چندین دهه مبارزات برابری طلبانه فمینیستی توانسته تا حدی برابری قانونی برای زنان طبقات متوسط و مرفه در کشورهای صنعتی پیشرفته را میسر سازد، حتی در این کشورها در کلیه حرفه‌ها، تبعیض علیه زنان هم‌چنان با برجاست و تنها امکانات مالی زنان طبقات مرفه است که به آن‌ها اجازه می‌دهد از برابری نسبی بهره‌مند شوند، در حالی که برای اکثر زنان جامعه (کارگران، کارمندان، معلمان و دیگر حقوق بگیران) اوضاع سخت اقتصادی، بیکارسازی‌های گسترده و گسترش کار موقت آن‌ها را وادار می‌کند بیرون از خانه کار کنند و توأمان کلیه وظایف کار در خانه و خدمات فرزندان را بر عهده خویش داشته

اصلاح طلبان مانع حرکت

مستقل کارگران

ارژنگ بامشاد

پدنیال مصوبه‌ی جدید مجلس در باره‌ی خارج کردن کارگاه‌های دارای پنج کارگر و کمتر از شمول قانون‌کار به مدت شش سال، اعتراضات کارگران خصلت انفجاری خود را نشان داد. کارگران بسیاری از کارخانه‌ها رویان‌های سیاه بستند و چندین هزار کارگر در گردهم‌آیی روز دوشنبه ۱۹ اسفند ۷۸ در جلو مجلس شورای اسلامی شرکت کردند. در این تجمع اعتراضی، کارگران اعلام کردند که اگر شورای نگهبان این بقیه در صفحه ۳

شکست خوردگان از

دختران و پسران جوان

انتقام می‌گیرند

بابک مشتاق

حکام رژیم اسلامی و سینه‌چاکان دستگاه ولایت، اکنون مدنیست پی‌برده‌اند که نسل جوان خصم شماره‌شان است. نسلی که اکثریت بزرگ سکنه کشور را تشکیل می‌دهد و در منجلاب جمهوری اسلامی در جنبه انواع فشارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گرفتار است. نسلی که در تبلیغات عوام‌فریبانه «آینده‌سازان کشور» و «امید بزرگ رهبر» خوانده می‌شود اما در عمل جز سرکوب نیازهای فردی و اجتماعی آن‌ها بقیه در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱ اعلامیه کمیته مرکزی سازمان ..
تصویب رسانده و در صدد اجرای آن‌ها بر آمدند.
این تعرض شرم‌آور به موقعیت زنان ایران
اعتراضات بسیاری را برانگیخت که آخرین نمونه
آن اعتراض دختران دانشجوی علوم پزشکی
فاطمیه قم علیه این موج جدید تعرض آپارناید
جنسی بود.

آن چه که امروز مانع از اعتلای جنبش زنان
ایران می‌شود، فقدان تشکل مستقل زنان است.
بنابراین فعالین جنبش زنان ایران باید با
استفاده از همه شیوه‌های مبارزه قانونی و
غیرقانونی، تشکل‌های مستقل‌شان را بویژه در
میان زنان کارگر و زحمت‌کش، که اکثریت عظیم
و محروم زنان ایران را تشکیل می‌دهند، بنا نهند
و مبارزه متشکل و متحدشان علیه بردگی
جنسی جمهوری اسلامی و همراه با آن همه
مظاهر پدرسالاری و مردسالاری را گسترش دهند.
مبارزه برای حقوق برابر در زمینه تحصیل،
کار و دست‌مزد؛ مبارزه برای کسب حقوق مدنی
و قضائی مدرن و مترقی؛ مبارزه علیه حجاب
اجباری و سایر اجزای مبارزات فمینیستی زنان
در ایران، این امکان را فراهم می‌سازد که زنان
به صحنه مقدم مبارزه علیه جمهوری اسلامی گام
نهاده و نه به عنوان پشتیبان، بلکه هم چون یکی
از پایه‌های اصلی جنبش انقلابی، دست‌آوردهای
ارزنده‌ای را برای جنبش زنان و مبارزه برای
رهائی از نابرابری جنسی و همه اشکال نابرابری،
به ثبت برسانند!

۸ مارس روز زن بر شما زنان ایران مبارک باد!
اسفند ۱۳۷۸ - ۱ مارس ۲۰۰۰

جلسه مشترک

جنبش برای سوسیالیسم و کمیته
زنان اتحاد چپ کارگری

سخنرانی

آیرین کامبل از کمیته زنان
اعتصاب کارگران بندر در
لیورپول

یاسمین. اتحاد چپ کارگری
جنبش زنان و سوسیالیسم

تاریخ یکشنبه ۱۹ مارس

۲۰۰۰

محل لندن - Conway Hall
Holborn

ساعت ۱۱ تا ۴ بعد از ظهر

دنباله از صفحه ۱ اعلامیه هیئت هماهنگی

یا حق آموزش مساری با مردان محرومند. جداسازی
دانشجویان دختر و پسر، زنانه و مردانه کردن صف
اتوبوس‌های شهری، امور بیمارستانی و غیره، هر چند
با اعتراضات و تحصن دانشجویان دختر از جمله
دانشجویان دانشکده فاطمیه قم روبرو شده، ولی هم‌چنان
به عنوان استوانه نظام اسلامی به پیش می‌رود. زنان
ایران از حقوق پایه‌ای چون حق طلاق، حفظ فرزندان در
صورت جدایی از همسر، قصد سفر بدون اجازه شوهر،
مزد برابر در ازای کار برابر، محرومند. بی تردید
دستیابی به حقوق زنان با رفم و اصلاح نظام ممکن
نیست. از طرف دیگر هرگونه تغییری در قوانین جمهوری
اسلامی بنبغ زنان، پایه‌های لرزان رژیم را بطرف تلاشی
و سقوط میکشانند. پذیرش حقوق برابری خواهانه همه
شهروندان، جدایی دین از دولت، وصول آزادی‌های فردی
و اجتماعی زنان تنها با سرنگونی رژیم و در هم
شکستن نظام سرمایه داری و مردسالار و تحقق برابری
زنان و مردان در تمامی عرصه‌ها فراهم می‌آید.

زنان کارگر در ایران با نابرابری دستمزدها و
پاداش‌ها، عدم دسترسی به کارآموزی، عدم وجود
امکانات ورزشی برای زنان در کارخانجات، حق
بازنشستگی پیش از موعد، مرخصی زایمان، نداشتن
پایه‌ای ترین امکانات نظیر شیرخوارگاه، مهد کودک و
... روبرو هستند. زنان از اولین قربانیان اخراج‌های دسته
جمعی در ایران هستند. علاوه بر این، در چند سال اخیر
بالا بردن سرعت دستگاه‌های تولید در کارخانجات، لغو
مرخصی‌های ساعتی و روزانه برای زنان، گمردن زنان به
کارهای یک‌نواخت، آسیب‌های جدی را متوجه آنان
ساخته است. در همین رابطه، در اروپا و امریکا
سرمایه‌داری در بهترین و پیشرفته‌ترین حالت آن قادر
به پاسخ‌گویی به این مشکلات زنان نیست. تجربه
کشورهای صنعتی پیشرفته، تجربه چند دهه مبارزه
فمینیستی در سطح جهانی نشان می‌دهد که برابری
واقعی و از بین رفتن تبعیض جنسی در چهار چوب
سرمایه‌داری میسر نیست. مبارزه زنان تا زمانی که به
جای تغییر موقعیت فرد در پی تحول اوضاع اجتماعی
نباشد، جز برابری قانونی برای طبقات مرفه و متوسط
نتیجه دیگری ببار نمی‌آورد.

در ۸ مارس سال دوهزار اتحاد چپ کارگری
مبارزات خود را در دفاع از حقوق زنان با تاکید ویژه بر
دفاع از حق آزادی پوشش، حق طلاق، حق بهره‌مند شدن
از بهداشت و آموزش برابر حقوق زنان کارگر در
کارخانجات، در کارگاه‌های کوچک و کارگران زنی که به
کار خانگی مشغولند، به عنوان حاشیه‌ای ترین بخش
زنان، بکار می‌بندد. ما ضمن دفاع از مبارزات جاری
زنان کارگر علیه بی‌کارسازی‌ها، دفاع از حق زنان برای
زدودن نابرابری‌ها و جداسازی‌های جنسی و دفاع از حق
زنان کارگر برای گرفتن دستمزد برابر در ازای کار برابر،
ایجاد مهد کودک، حق کارآموزی برابر با مردان ... که
همگی از خواست‌های بیان شده زنان کارگر در ایران
است، برای درهم شکستن نظام مردسالار و زن ستیز
جمهوری اسلامی، فعالیت خود را دوچندان می‌نماییم.
مارس ۲۰۰۰

دنباله از صفحه ۲ شکست خوردگان از دختران

و جز آینده‌ای تیره و تار در برابرش نمی‌نهند. فقهای حاکم
در تمام طول حاکمیت جمهوری اسلامی با انبوه میلیونی
جوانان دختر و پسر مشکل داشته‌اند. پدیده‌هایی چون
<جنبش زلف‌ها و جلوه رنگ‌ها>، یعنی به سخره گرفتن
حجاب اجباری و سلب آزادی پوشش؛ محافل مخفی و نیمه
علنی فرهنگی، هنری و تفریحی جوانان؛ نقض مکرر و
روزانه قوانین مربوط به جداسازی جنسی؛ نفی ممنوعیت‌های
رژیم در زمینه برپائی مجالس عروسی، پارتی‌ها و...؛ آچمز
کردن دائمی نیروهای سرکوب‌گر "امر به معروف و نهی از
منکر" و در یک کلام نافرمانی مدنی این آنتشفاشان
خروشان در برابر استبداد و جهالت مذهبی، قدمتی برابر با
تمام دو دهه حاکمیت جمهوری اسلامی داشته است. اما از
دوم خرداد ۷۶ به بعد، دشمنی حکام اسلامی با جوانان
علت تازه‌ای یافته است. نقش تعیین کننده جوانان برای
برهم زدن معادلات و آرایش نیروهای رژیم در انتخابات و
رأی‌گیری‌ها خواب و آرام را از آن‌ها ربوده است.

سران رژیم اکنون با چشمانی حیرت‌زده، دود شدن دو
دهه تلاش شبانه‌روزی‌شان برای شستشوی مغزی
آینده‌سازان کشور و تربیت آن‌ها بر مبنای احکام پوسیده
قرون وسطایی را مشاهده می‌کنند، آن‌هم توسط نسلی که
در دوران همین رژیم بدبنا آمده و بالغ شده و هیچ نشانی
از "دوران طاغوت" ندارد. آن‌ها اکنون می‌بینند که هر بار
میلیون‌ها جوان کشور تصمیم می‌گیرند یا به عرصه انتخابات
بگذارند، قادرند همه نقشه‌های روپائی آن‌ها را برای "دوب
در ولایت مطلقه" به هم بریزند. بی‌دلیل نبود که با افزایش
حداقل سن رأی‌دهنده‌گان از ۱۵ به ۱۶ سال و بنا براین
محروم کردن بیش از یک میلیون ۸۰۰ هزار جوان از حق
رأی، گوشه‌ای از کینه عمیق خود را جلوه‌گر ساختند.
اکنون نیز به دنبال سبلی انتخابات مجلس ششم به صورت
ائتلاف دستگاه ولایت و رفسنجانی، بار دیگر پی به عظمت
خطری که از جانب آتش‌فشان جوانان دختر و پسر آنان را
تهدید می‌کند، برده‌اند. خصوصا که این بار بر خلاف
انتخابات دوم خرداد ۷۶ و شوراهای شهر و روستا، جوانان و
زنان با بهره‌گیری از اوج‌گیری تضادهای حکومت‌گران،
توانستند پاره‌ای از نرم‌ها، رفتارها و سبک زندگی عرفی و
مدرن خود را در صحنه‌های انتخاباتی به نمایش گذارند.
اجرای موزیک پاپ، تبدیل کارزارهای تبلیغاتی کاندیداها به
کارناوال‌های هنری-تفریحی، نقض بی‌سابقه مقررات
حجاب، آرایش دختران در حین توزیع اعلامیه‌ها و
بروشورها، هم‌گامی و هم‌راهی و اختلاط بی‌سابقه جوانان
دختر و پسر و حتی در مواردی رقص و پای‌کوبی و ...
همگی جلوه‌هایی از بهم ریختن نرم‌های تاریک‌اندیشانه
رژیم را به معرض نمایش می‌گذارند. بر بستر چنین
رخ‌دادهایی بود که سران رژیم تصمیم گرفتند یک هفته پس
از انتخابات ۲۹ بهمن، با بسیج سراسری چماقداران و ایادی
ستاد "امر به معروف و نهی از منکر" در اکثر شهرهای بزرگ
ایران، به خیال خام خود، انتقام شکست مفتضحانه‌شان را
از جوانان پرشور دختر و پسر بگیرند. تهاجم افسار
گسیخته‌ای که توجه بسیاری از رسانه‌های خارجی را نیز به
خود جلب کرده است، بطوری‌که برخی از این
خبرگزاری‌ها، این یورش جدید و هم‌زمان را در عین حال
ناشی از بازتاب بی‌سن‌المللی گزارش تلویزیونی اخیر

کریستین امان پور در شبکه تلویزیونی CNN می‌داند، که در بخش‌هایی از آن رفتار و زندگی جوانان کشور و بی‌حجابی و عشق‌ورزی و پارتنری‌های آن‌ها به تصویر کشیده شده است.

در جریان یورش اخیر پس از انتخابات، هزاران نفر توییح، جریمه، بازداشت و یا محکوم به شلاق شدند. در روز یکشنبه ۱۸ اسفند مأمورین بسیجی در کرج با متوقف کردن یک اتوبوس حامل دختران دبیرستانی، پس از کتک زدن راننده، همه دختران را دستگیر و به کلانتری برده، مورد توهین و آزار قرار داده و برای شان پرونده تشکیل دادند؛ در روز سه‌شنبه ۱۹ اسفند مأمورین رژیم با لباس شخصی به رستوران «سورتو» در تهران حمله ور شده و ۴۰ دختر و ۱۰ پسر را بدلیل برپائی جشن تولد، نواختن موزیک و عدم جدائی دختران و پسران، دستگیر کردند. به گزارش خبرنگار رویتر از تهران در یک هفته اخیر پس از اعلام نتایج انتخابات، هر روز جوانان بسیجی به کافه‌ها، رستوران‌ها، پارک‌ها و محل تجمع جوانان حمله می‌برند. در پاساژ گلستان، در بزرگ‌راه جردن و محله محمودیه تهران نیز گزارشات متعددی مبنی بر دستگیری‌ها و خانه‌گردی‌ها منتشر شده است. در شیراز نیز مأموران اداره مبارزه با «مفاسد اجتماعی» طی یورش به یک خانه، ۴۲ دختر و پسر جوان که به صورت مختلط و بی‌حجاب در یک منزل مشغول پایگویی بودند را دستگیر و پس از محاکمه ضربتی هر یک را به ۲۵ ضربه شلاق محکوم کردند. صاحب‌خانه نیز به پرداخت ده میلیون تومان جریمه نقدی محکوم گردید. در همین راستا مجدداً جستجوی خانه به خانه برای کشف و ضبط آنتن‌های ماهواره‌ای از سر گرفته شده است. باید توجه داشت که این اقدامات، امری تصادفی نبوده و سیاستی روشن را دنبال می‌کند. هفته‌نامه «جهه» ارگان دسته‌های فاشیستی انصارحزب‌الله، در شماره اخیر خود در تشریح این سیاست نوشت: «برادران بسیجی و نیروهای امنیتی باید نهی از منکر را با دقت اجرا نمایند و حد اسلامی را مراعات کنند تا کاسه صبر طبقه متوسط لبریز شود و باور کنند که اصلاح‌طلبان ناتوانند». این نشریه می‌افزاید: «این تهاجم نباید به صورت یک‌امر روزمره و مداوم در آید بلکه لازم است با قاطعیت و کوبنده‌گی در روزهای مخصوص صورت پذیرد». سران رژیم اگرچه به اعتراف نشریه «جهه» از ترس شکل‌گیری یک واکنش توده‌ای و متشکل، قصد ندارند آن را «روزانه تکرار کنند»، اما خود این تهاجمات ضربتی، بدنبال مشخص شدن نقش کلیدی جوانان در سست کردن پایه‌های نظام اسلامی، مجدداً راه‌اندازی خواهند شد. جوانان و اکثریت آزادی‌خواه و برابری‌طلب کشور نمی‌توانند و نباید در برابر این یورش‌های فاشیستی ساکت بمانند. خواست‌های چون «آزادی‌پوشش»، «آزادی همه اشکال هنری از جمله موسیقی و رقص»، «برخورداری از وسایل اطلاع‌رسانی از جمله آنتن‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اینترنت»، «آزادی بی‌قید و شرط اندیشه، بیان و تشکل»، «انحلال دستگاه‌های سرکوبی نظیر» ستاد امر به معروف و نهی از منکر»، «پایان دادن به دستگیری، جریمه و شکنجه جوانان و آزادی همه دستگیر شده‌گان»، «برخورداری

جوانان بیکار از حق بیمه بیکاری و فراهم شدن امکانات رایگان برای اشتغال، کارآموزی و ادامه تحصیل»، «حق برپائی تشکل‌های مستقل جوانان»، «تأمین کمک هزینه برای خانواده‌های پُر اولاد»، «ممنوعیت کار و اشتغال کودکان» و انبوه مطالبات پایه‌ای دیگر آن عرصه‌هایی هستند که جوانان و مردم کشور می‌توانند حول آن‌ها مقاومت و مبارزه خود را سازمان دهند.

برای مقابله با یورش‌های چماق‌داران و بسیجی‌ها، تاکنون مبارزه و مقاومت گسترده‌ای صورت گرفته است. اما آن‌چه تاکنون عمدتاً در این مبارزه برجستگی داشته، مقاومت منفی و نافرمانی مدنی بوده است. اما اتکاء صرف به این شکل از اعتراض، نخواهد توانست جنبش پرشور جوانان را در نهایت به حقوق عادلانه خود برساند و یا سد مستحکمی در برابر یورش‌های مداوم انصارحزب‌الله و انواع و اقسام دسته‌های مزدور و جیره‌خوار دستگاه ولایت ایجاد کند. یورش‌های سازمان‌یافته فالانژها را تنها با راه‌اندازی «هسته‌های مقاومت جوانان محلات» می‌توان در هم شکست. اشکال جینی هسته‌های مقاومت جوانان محلات بصورت محافل ورزشی، هنری، تفریحی و ... وجود دارند. منتها باید با متشکل کردن این محافل در قالب هسته‌های مقاومت جوانان محلات، نیروی این جنبش قدرت‌مند را توسعه بخشید. هسته‌هایی که با حفظ فرهنگی، ورزشی و صنفی خود قادرند با حراست از شور زندگی، شادابی و جوانی رژیم زندگی سبزی را کلافه و مستأصل کنند. هسته‌های مقاومت که باید به شکلی سازمان‌یابند که بتوانند دختران و پسران جوان را متشکل کنند، می‌توانند، هر بار که یورش نیروهای تهاجمی و سیاهی آغاز می‌شوند، با سلسله ارتباطات خود و شبکه‌ای اطلاع‌رسانی سیال خود، تجمعات توده‌ای زنان و مردمان را سازمان دهند؛ جنبش اعتراضی به دستگیری‌ها را به حرکت درآورند و مانع دستگیری خواهران و برادران خود شوند؛ جلو حرکت خودروهایی بسیجی را با انواع شیوه‌ها سد کنند و مانع تحرک آن‌ها شوند؛ تجمعات توده‌ای در جلو مقرهای نیروهای انتظامی بوجود آورند و خواستار آزادی دستگیر شده‌گان شوند؛ به شناسایی مزدوران رژیم در محلات بپردازند و به شیوه‌های گوناگون آن‌ها را از عواقب کار خود بترسانند؛ و در یک کلام یک جنگ گریلانی سیاسی توده‌ای را بوجود آورند و نیروهای سرکوب‌گر رژیم را پراکنده کرده و قدرت تفرضی آن‌ها را درهم بشکنند و با پا گذاشتن روی همه ممنوعیت‌های رژیم، زمینه تحقق خواست‌های جوانان و مردم کشور را فراهم آورند، خواست‌هایی که بسیاری از آن‌ها در گرو بگور سپردن جمهوری اسلامی است.

سپینار اتحاد چپ کارگری سخنرانی پرفسور مزارش

بیکارسازی‌ها و کارمقت، چالشی برای چپ

تاریخ شنبه ۱۸ مارس ۲۰۰۰

زمان

۱ تا ۴ بعد از ظهر

محل Irish Centre , Blacks
Road , London W6 9DT

تک‌برگی راه کارگر

دنباله از صفحه ۱ اصلاح‌طلبان مانع حرکت

مصوبه را تصویب کند، «کفن می‌پوشیم و تجمع می‌کنیم». همین یک جمله کافی است تا از عزم کارگران برای دفاع از حقوق خود و از عمق فشاری که بر کارگران وارد می‌آید آگاه شویم. نباید فراموش کرد که با این مصوبه ۲ میلیون ۸۰۰ هزار نفر یعنی ۳۰ درصد کارگران، از شمول قانون کار خارج می‌شوند و خطر اخراج و بیکاری، آن‌ها و خانواده‌های شان را در وضع اسف‌انگیزه‌ای قرار می‌دهد.

اما چرا این پتانسیل گسترده‌ی اعتراض و خشم کارگران، به سرعت فروکش کرد و از تداوم حرکت‌ها جلوگیری بعمل آمد؟ این سئوالی است که می‌تواند نقش اصلاح‌طلبان حکومتی را در مخالفت‌شان با شکل‌گیری حرکت‌های مستقل کارگری و ایجاد تشکل‌های مستقل‌شان بشکل برجسته‌ای آشکار سازد.

واقعیت این است که بخشی از اصلاح‌طلبان حکومتی، خود در تصویب این طرح نقش فعالی داشتند. محمداقراذکری نماینده کنونی قوچان از جبهه اصلاح‌طلبان که به نمایندگی مجلس ششم نیز انتخاب شده است می‌گوید: «این موضوع بحث بسیار داغی بود که مخالفان و موافقان آن از میان همه‌ی جناح‌ها حاضر در مجلس بودند و در هنگام رأی‌گیری از جمع ۱۸۰ نماینده حاضر در مجلس در حدود ۱۰۵ نفر رأی مثبت دادند و خیلی از آن‌ها نمی‌خواستند که رأی‌شان فاش شود. به همین دلیل رأی‌گیری مخفی انجام شد... هر چند که بیشتر طرفداران این طرح از جناح راست بودند، اما چهره‌های شاخص هم از جناح چپ در میان موافقان حضور داشتند و نطق آقایی محمدرضا خیار (نماینده مجلس پنجم و ششم از کاشمر و از اصلاح‌طلبان) در رأی آوردن طرح بسیار مؤثر بود». (اخبار اقتصاد - ۱۹ اسفند ۷۸) و صادقی رئیس کانون شوراهای اسلامی کار نیز در جمع کارگران معترض در جلو مجلس در ۹ اسفند گفت: «برخی پیشنهاد دهنده‌گان طرح با رأی کارگران وارد مجلس شدند و اکنون علیه کارگران سنگرمی‌گیرند». (جمهوری اسلامی - ۱۹ اسفند ۷۸) بنابراین آن‌چه از تصویب مجلس گذشت، تنها یک اقدام سیاسی از سوی تمامیت‌خواهان با انگیزه‌های سیاسی نبود، بلکه در تصویب این طرح بخشی از اصلاح‌طلبان نیز نقش فعالی داشتند.

برخورد با این لایحه و واکنش‌هایی که پیرامون آن صورت می‌گیرد، بخوبی روشن می‌کند که جبهه اصلاح‌طلبان هر چند در زمینه "توسعه سیاسی" از اهداف مشترکی حمایت می‌کند و از این زاویه در مقابل تمامیت‌خواهان قرار دارند، اما در عرصه اقتصاد دو گرایش کاملاً متفاوت را بیان می‌کنند. اصلاح‌طلبان نتولیب‌برال که عمدتاً در

کارگران و زحمت کشان

کارگران ملبریان جاده کرج را بستند

۲۰۰ نفر از کارگران ملبریان از ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۱۱ اسفندماه ۷۸ در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ۲۰ ماه گذشته خود و بی‌اعتنایی به حرکت‌هایی که تاکنون انجام داده‌اند، جاده کرج را بستند. این اقدام اعتراضی پس از آن صورت گرفت که شرکت برق منطقه‌ای، برق این کارخانه را از روز دوشنبه ۹ اسفند، به بهانه‌ی بدهی‌های بالای کارخانه قطع کرد و با این کار باعث از کار افتادن دستگاه‌های تولید و سیستم گرمایی کارخانه شد. کارگران معتقدند که قطع برق کارخانه بنا به درخواست صاحبان اصلی شرکت محمدهدر دوست و حمیدنقشبان انجام گرفته است. پس از این اقدام اعتراضی، مسئولین نهادهای کارگری به میان کارگران رفتند و به آن‌ها قول دادند که پیگیر مشکلاتشان باشند. پس از این وعده‌ها، کارگران در ظهر روز چهارشنبه مجدداً جاده کرج را بازگشائی کردند.

تحصن کارگران کارخانه کشتی‌سازی خلیج فارس در بندرعباس

کارگران کارخانه کشتی‌سازی خلیج فارس در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، عدم افزایش دستمزدها و انحلال شورای اسلامی کارخانه توسط مدیر عامل شرکت، از روز یکشنبه ۱۸ اسفند ۷۸ دست به تحصن زدند. در چهارمین روز تحصن استاندار هرمزگان به میان متحصنین رفت تا در جریان خواست‌های کارگران قرار گیرد اما وعده‌های او تغییری در ادامه تحصن ایجاد نکرد. کارگران نسبت به اقدامات هاشم‌زاده‌خامنه که مدت هشت سال مدیرعامل این کارخانه است اعتراض دارند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که در مدت مدیریت او، نه تنها طرح طبقه‌بندی مشاغل اجرا نشده، بلکه گروه و پایه حقوق هیچ‌یک از کارگران نیز تغییر نکرده است. در مورد افزایش دستمزد نیز که کارگران خواهان افزایشی ۱۷ درصدی هستند، مدیرعامل تنها با افزایش ۱۰ درصدی موافقت کرده است.

کارگران اخراجی شهرداری دست به اعتراض زدند

حدود ۳۵ نفر از کارگران خدماتی پیمان کاری شهرداری منطقه یک تهران در روزهای پایان سال از کار برکنار شدند. این کارگران در بخش‌های خدماتی در ساختمان مرکزی شهرداری منطقه یک مشغول به کار بودند و با داشتن چندین سال سابقه کار اخراج گشتند. آن‌ها در یک اقدام اعتراضی در صبح روز سه‌شنبه ۱۰ اسفندماه ۷۸ با تجمع در مقابل ساختمان شهرداری خواهان بازگشت به کار خود شدند.

داد. از این رو در شرایط کنونی که کارگران از تشکل مستقل برخوردار نیستند و برای سراسری کردن حرکت‌های خود تا حد زیادی متأثر از سازماندهی خانه کارگر و یا انجمن‌های اسلامی و شوراهای اسلامی کار هستند، خطر آن وجود دارد که اقداماتشان زیر فشارها و حیل‌های اصلاح‌طلبان به جایی نرسد. توجه داشته باشیم که با حاکمیت دیدگاه‌های نئولیبرالی بر اکثریت جبهه اصلاح‌طلبان، اکثریت مجلس ششم نیز، از تصویب قوانینی علیه کارگران ابائی نخواهد داشت و این قوانین را نیز بعنوان اقداماتی در راستای موفقیت‌های دولت خاتمی به خورد مردم خواهد داد. وقتی اکثریت مجلس به دست اصلاح‌طلبان و بویژه اصلاح‌طلبان نئولیبرال افتاده است، امکان استفاده از اختلافات جناح‌های حکومتی در مجلس به نفع کارگران تا حدودی کاهش می‌یابد. بنابراین در چنین شرایطی، ضرورت تلاش برای شکل‌دهی به تشکل‌های مستقل کارگری و سازماندهی اشکالی از ارتباطات میان واحدهای بزرگ تولیدی، صنعتی و خدماتی در سراسر کشور برای هماهنگی حرکت‌های کارگری بیش از پیش برجسته می‌شود. کارگران از این پس نه تنها با سیاست‌های ضدکارگری تمامیت‌خواهان روبرویند، بلکه باید با حیل‌ها و برنامه‌های فریب‌کارانه اصلاح‌طلبان که بعنوان ترمز حرکت‌های کارگری با بهانه دفاع از دولت خاتمی صورت می‌گیرد، مقابله کنند.

در راستای چنین ضرورتی است که تمامی پیشروان کارگری، محافل فعال و مبارز چپ و هم‌چنین سازمان‌های وابسته به طبقه کارگر، در شرایط بسیار ویژه‌ای قرار گرفته‌اند. اکنون که پتانسیل جنبش کارگری خود را بیش از پیش نشان می‌دهد، ضرورت تلاش بیشتر برای ایجاد پیوند ارگانیک میان فعالین جنبش کارگری و طبقه کارگر برجسته می‌شود؛ تلاش برای هم‌گرایی سازمان‌ها و نیروهای هوادار سیوسیالیسم از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد؛ سازماندهی حرکت‌های حمایتی گسترده در خارج کشور و جلب حمایت اتحادیه‌های کارگری و احزاب چپ و مترقی از مبارزات کارگران ایران برجستگی خاصی پیدا می‌کند؛ برنامه‌ریزی برای سازماندهی حرکت‌های گسترده‌ی کارگری در دفاع از حقوق کارگران در واحدهای گوناگون در سراسر کشور، نقش ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ تلاش برای جلب حمایت دیگر اقشار جامعه از خواست‌های کارگران ضرورت بیشتری می‌یابد؛ و برنامه‌ریزی برای حضور گسترده کارگران در مراسم اول ماه در ایران، و نشان دادن قدرت تجمع و تشکل آن اهمیت کلیدی می‌یابد. همه این اقدامات باید که حضور مستقل طبقه کارگر و نیروهای هوادار و وابسته به آن را بخوبی نشان دهد و در هرگام خود، زمینه‌های حضور و نفوذ اصلاح‌طلبان در میان کارگران را به حداقل برساند و نقش ترمزکننده‌ی آن‌ها را خنثی سازد. فرصتی تاریخی فراهم آمده است، این فرصت تاریخی برای حضور مستقل و سیاسی طبقه کارگر در عرصه سیاسی کشور را نباید از دست داد.

«حزب کارگزاران سازندگی»، «حزب همبستگی ایران اسلامی» و «حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی» جمع شده‌اند، طرفدار بازار آزاد و اجرای بی‌چون و چرای سیاست‌های صندوق‌بین‌المللی ارز و بانک جهانی پول هستند. بی‌جهت نیست که سیاست‌های برنامه سوم توسعه دولت خاتمی، همسوئی آشکار میان این طرح‌ها و طرح‌های دولت رفسنجانی را بیان می‌کند. و از این زاویه، در تلاش برای تغییر قانون کار، نئولیبرال‌های جبهه اصلاح‌طلبان، با تمامیت‌خواهان و طرح‌های اتاق بازرگانی همسوئی نشان می‌دهند. اما بخش دیگر اصلاح‌طلبان شامل «مجمع روحانیون مبارز»، «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی»، «دفتر تحکیم وحدت»، «حزب اسلامی کار» و «اتلاف نیروهای ملی-مذهبی» هر کدام از زاویه‌ای با سیاست‌های نئولیبرالی بازار آزاد مخالف هستند و بخشی از این نیروهای بیشتر به شیوه‌های دولت‌گرایانه‌ی اقدامات اقتصادی گرایش دارند.

بر پایه چنین اختلاف اساسی‌ایی است که فشار برای مهار حرکت‌های اعتراضی کارگران در مخالفت با تصویب لایحه خارج کردن کارگاه‌های با پنج کارگر و کمتر، با بهانه‌ی دفاع از دولت خاتمی و سیاست‌های اقتصادی او آغاز می‌شود. «خانه کارگر» و «حزب اسلامی کار» که زیر فشار پتانسیل اعتراضی کارگران در ابتدا با حرکت اعتراضی آن‌ها همسو می‌شوند، مورد انتقاد بخش‌های دیگر اصلاح‌طلبان قرار می‌گیرند و پس از آن است که تلاش برای خاموش کردن حرکت کارگران در دستور قرار می‌گیرد. محمدسلامتی معاون وزیر تعاون و دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می‌گوید: «کارگران و جامعه کارگری نباید به شکلی برخورد کنند که به ایجاد تنش در جامعه منجر شود». (اخبار اقتصاد - ۱۰ اسفند ۷۸) و یا محمدباقر ذاکری کارگران را با وعده مجلس ششم فریب می‌دهد و می‌گوید: «اگر کارگران اکنون جو جامعه را ملتهب کنند، خیلی‌ها که موافق ترکیب مجلس ششم نیستند می‌توانند از این فضاء سوءاستفاده کنند. حتی اگر این طرح را شورای نگهبان نیز تصویب کند، مجلس ششم می‌تواند آن را تغییر دهد».

با چنین فعل و انفعالاتی است که پتانسیل اعتراضی کارگران و یکی از بهترین فرصت‌ها برای حضور کارگران در صحنه سیاسی کشور بمثابة یک طبقه، می‌تواند از دست برود. تشکل‌های کارگری وابسته به دولت و جریان‌های حکومتی نیز تا آنجا با حرکات کارگری همسوئی نشان می‌دهند که از اهرم قدرت کارگران بتوانند در چانه‌زنی‌های میان حکومتیان، بهره‌برداری کرده و سهم خود را از قدرت افزایش دهند. آن‌ها هیچ‌گاه به منافع کارگران نیاندیشده‌اند و نخواهند اندیشید و از این رو در دشمنی با خواست‌های کارگران، هر چند به شیوه‌های دیگر، تردیدی به خود راه نخواهند